

تحليلي توصيفي، آماري از آب و هوا در فرهنگ عامه (مطالعه موردی شهرستان باغملک در استان خوزستان)

نصرت فرهادي^۱، ناصر اورک^۲

چکیده

توزیع زمانی و مکانی نامناسب بارش در ایران سبب شده است تا ساکنین این مرز و بوم با دقت و حساسیت خاصی پیگیر شرایط اقلیمی و درک رفتارها و نوسانهای آب و هوایی، زمان وقوع بارشها، کشف راههای پیش یابی زمان وقوع بارندگی باشند. منظم ساختن این کشفیات در چهارچوب تقویمی خاص اقلیم تجربی خود و هماهنگ ساختن زندگی و فعالیتهای خویش با این تقویم اقلیمی و مدیریت زمانی طول دوره کوتاه و پرنوسان بارش جهت بهره برداری بهینه و حداکثری در زمینه مسائل کشاورزی، ذخیره سازی سوخت و آذوقه، هنگامه کوچ و جابجایی های فصلی، ذخیره آب در مکانها و شرایطی که امکان بهره برداری از آن در فصل خشک و بدون بارش و طولانی سال صورت گرفته است. هدف از این تحقیق توجه به شرایط اقلیمی و پرداختن به تجربیات ارزشمندی است که سینه به سینه منتقل و به باورهای فرهنگی مردم هر منطقه مبدل شده اند. خالی از لطف نخواهد بود که گاه گاهی با کنکاش در این باورها و آداب و سنن فرهنگی و اجتماعی و تطبیق آنها با تجربیات علمی و نوین و گاه روشها و مدل‌های مقایسه آماری صحت و یا حداقل میزان دقت این تجربیات را به بونه آزمایش کشید و درک روشن تری از قوه تفکر و تعقل تشخیص نسل های گذشته را بدون دردست داشتن ابزار و ادوات سنجش و پیش بینی حوادث اقلیمی بدست آوریم که گاه با پرداختن به این امور موجبات تعجب و تحسین مان برانگیخته خواهد شد. از نتایج تحقیق مقایسه جنگ چارچار با بارشهای ثبت شده یک دوره نسبتاً طولانی (۳۸ سال) مشخص شده که در ۹۰ درصد سالهای دوره آماری همراه با بارش و شرایط تقویم اقلیمی - فرهنگی مردم منطقه مورد مطالعه بوده است. در بقیه موارد نیز همبستگی قابل قبولی بین موارد سنتی با داده های آماری وجود دارد.

واژه های کلیدی: بارندگی سالانه، تقویم اقلیمی، باران خواهی، روزهای خاص، شهرستان باغملک

^۱ - دکتری اقلیم شناسی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا(س) اهواز farhadi.nosrat@yahoo.com

شماره تماس: ۰۹۱۶۳۲۰۹۶۲۶

^۲ - کارشناس ارشد جغرافیای طبیعی، سازمان آب و برق خوزستان

مقدمه

محیط طبیعی یا طبیعت دارای هدف، نظم و هماهنگی بطئی و یکنواختی است. بدین معنی که اتفاقات یا رویدادهایی که در طبیعت رخ می دهند خارج از این قاعده نیستند. تا زمانی که تغییری در ویژگیهای این مجموعه بوجود نیاید به فعالیت خود ادامه خواهد داد. اما زمانی که با دخالت انسان تغییراتی در برخی از ویژگیهای طبیعت بوجود آید برخی خصوصیات آن نیز دچار تحول می گردد.

یکی از خصوصیات طبیعت نظم و توالی زمانی و مکانی رخدادها است بدین شکل که رخدادها یا پدیده های سالانه با حداقل تغییرات در یک دوره زمانی روی خواهند داد. این حالت تا هنگام تاثیر جدی انسان بر طبیعت حکمفرما بوده است بطوری که انسان قرون گذشته از چگونگی تغییرات کاملاً آگاه بوده و به تجربه دریافته بود که چه اتفاقاتی و در چه زمانی رخ خواهند داد. انسان اندیشمند زمان را به بخشهایی به نام سال، فصل، ماه و روز تقسیم نمود و هر کدام از رویدادها را در یکی از این بخشها قرارداد بگونه ای که می دانست در کدام مقطع زمانی میبایست منتظر چه رویدادی باشد تا با توجه به رویداد مورد نظر آمادگی برخورد با آنها داشته باشد، شیوه های زندگی گذشته غالباً متأثر از چگونگی و زمان وقوع این رویدادها بوده است.

باورهای عامیانه در واقع مجموعه ای از دانش ها و اعتقادات و رفتارهای گروهی از مردم است که معمولاً با موازین علمی و منطقی سازگاری ندارد و توجه به این باورها از نظر حفظ میراث ارزشمند فرهنگ عامیانه جامعه ضروری بنظر می رسد. از آنجاکه آب و هوا نقش اساسی در زندگی دارد و می تواند نحوه فعالیت و شیوه زندگی مردم را تعیین کند بخشی از باورهای عامیانه هر سرزمین طلب باران یا پیش بینی وضع هوا اختصاص دارد. انسان برای سازگاری با آب و هوا با شناخت زمان حدوث رویدادها، فعالیت هایی از قبیل گردآوری و ذخیره سازی غذا، کوچ و تغییر مکان زیست، پناه بردن به غارها، استفاده از پوست جانوران برای حفاظت از گرما و سرما، ساخت سرپناه و... را انجام می داده تا بگونه ای خود را با محیط هماهنگ سازد (میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). موقعیت

جغرافیایی خاص ایران بر روی کره زمین سبب شده تا این سرزمین ضمن قرار گرفتن در شرایط خشک و نیمه خشک آب و هوایی، همیشه درگیر مشکل کمی بارش و به تبع آن بحران کمبود آب باشد. با در نظر گرفتن این ویژگی ذاتی آب و هوایی ایران و ارزش حیاتی آب در زندگی همه موجودات زنده و بویژه انسانها، اهمیت توجه بیش از حد به شرایط و تغییرات آب و هوایی به عنوان منشاء تولید آب در این بخش از سیاره زمین روشن تر و لزوم پرداختن به آن را ضروری تر می سازد.

محدوده مورد مطالعه بخش شمالی شهرستان باغملک در استان خوزستان است و دارای ۲۷ روستا بوده که از فرهنگ تقریباً مشابهی برخوردار هستند. از ویژگی های اقلیمی منطقه دارا بودن دو فصل خشک و مرطوب است که فصل مرطوب آن از نیمه دوم آبان شروع و تا اواخر فروردین ادامه می یابد و بیشترین مقدار بارشها در سه ماه آذر، دی و بهمن ریزش می یابد. بارش تقریباً مناسب در این منطقه، کشت دیم را رایج نموده است. هرگونه نوسان و تاخیر در بارش خصوصاً در مرحله داشت محصولات کشاورزی، مردم منطقه را کاملاً نگران می نماید و این نگرانی باعث می شود که مردم به طرف برخی فعالیتها برای دریافت باران، روی آورند. آیین باران خواهی هارهار، هارونک از جمله کارهایی است که مردم منطقه در طلب باران انجام می دهند.

بخاطر آنکه اکثر جوامع بشری در مناطق مختلف کره زمین با آب و هوا ارتباط بسیار نزدیکی دارند از گذشته های دور نسبت به این پدیده شناخت داشته اند و برای رفع مشکلات خود و استفاده از نعمات آب و هوا به هنگام کمبود و یا زیادی آن دست به یک سری فعالیتها می زدند که این فعالیت ها اکنون تبدیل به فرهنگ آن جوامع شده است. مطالعاتی در زمینه فرهنگ عامه خصوصاً در مورد آب و هوا در کشورهای مختلف صورت گرفته است. این مطالعات زوایای گوناگون فرهنگ عامه به روشن می نمایند از جمله این مطالعات می توان پژوهشگرانی اشاره کرد که در اروپا، افریقا و آسیا در کشورهایی که قدمت تاریخی زیادی دارند اشاره کرد. (مک وارا، ۲۰۱۳:

۹۸) سیستم های دانش بومی و پیش بین های مدرن هواشناسی را به منظور کشف و ارتباط آنها را به دو هدف شناخت و تحلیل نشانه های محلی هواشناسی و ارزیابی قابلیت اعتماد پیش بین های مدرن را مطالعه نموده و در فری استیت افریقای جنوبی بسیاری از کشاورزان با استفاده از تجربیات گذشتگان خود اقدام به پیشگویی و پیش بینی سنتی هوا می نمایند. (گوگولتو و همکاران^۱، ۲۰۱۳: ۳۸۳) در بخشی از افریقای جنوبی پیش بینی ها و پیش گویی هایی از کشاورزان را مطالعه کرده اند که در دوره کشاورزی بسیار استفاده می شود. این پیش بینی ها براساس نشانه هایی است که از صورتهای فلکی، رفتار حیوانات، نوع و پوشش ابر، شکوفه های طبیعی درختان، ظهور و ناپدید شدن خزندگان، مهاجرت گونه هایی از پرندگان و بسیاری موارد دیگر بدست آمده است. پیش بینی وضع هوا شاید مهمترین تکاپوی ذهنی بوده است که مردم در طول سالیان دراز سعی می کردند براساس علائم و نشانه هایی دقت آن را بیشتر نمایند و به همین دلیل جای گیری و حرکت صور فلکی هم به علائم پیش بینی اضافه گردید. براساس باورهای مردم لیتوانی (واریسکوناس^۲، ۲۰۰۶: ۱۵۷) می توان با استفاده از تغییرات هلال ماه در روزهای مختلف وضع هوای آینده را پیش بینی نمود و به عنوان یک باور غالب تغییرات هوا را وابسته به تغییر در فازهای ماه می دانند. (آلابای^۳، ۲۰۰۹: ۱۰) مردم همیشه به دلایل کاربردی سعی کرده اند هوا را پیش بینی کنند. کشاورزان زمان شروع و خاتمه سرما، ماهیگیران شروع توفان و مسافران جستجو برای یافتن پناهگاه به هنگام ابرناکی آسمان را می خواهند بدانند. اما تا دانشمندان یاد بگیرند که چگونه هوا را پیش بینی کنند، پیش گویی ها براساس تجربیات و نشانه های هوایی که در حال نزدیک شدن است صورت می گیرد. این تجربیات همان فرهنگ عامیانه است که مردم از آن استفاده می کنند. (واریسکو^۴، ۱۹۹۳: ۱۱۹) تقویم کشاورزی سنتی در کشور یمن را بررسی نمود. این تقویم روزهای سال را بر مبنای گردش ماه در دایره البروج ترسیم می

۱ - Gugulethu&et,all

۲- Vaiskunas

۳ - allabay

۴- varisco

نماید. در این تقویم سال به ۲۸ گام زمانی چندروزه تقسیم می شود که هر گام شرایط جوی و محیطی گوناگونی را دربر می گیرد. بطور معمول کشاورزان از دانش سنتی برای فهم الگوهای هوا و اقلیم استفاده می کنند و از تجربه های سنتی که از نسل های گذشته به ارث رسیده است برای تولید محصولات کشاورزی و دوره های آبیاری بهره برداری می نمایند. مردم برخی از کشورها توجه خود را بیشتر معطوف وضعیت موجودات گیاهی و جانوری روی زمین و حرکت و تغییرات آنها نموده اند. بر پایه مطالعه (سیواپراکاسام و کاناکارابی^۱، ۲۰۰۹: ۶۲۱) در تامیل نادو هندوستان، پیش بینی سنتی هوا بر اساس اطلاعات بدست آمده از شاخصهای گیاهی، جانوری، حشرات، هواشناسی و ستاره شناسی صورت می گیرد. این مطالعه یک دوره ۶۰ ساله تامیلی که مطابق با ۱۹۹۵-۱۹۳۶ میلادی است را دربرمی گیرد. نمودارهایی برای مقایسه پیش بینی سنتی با پیش بینی علمی هواشناسی ارائه داده که نشان دهنده دقت نظر پیش بینی سنتی در آن منطقه می باشد. در ایران نیز مطالعات زیادی در فرهنگ عامه صورت گرفته و از جمله این مطالعات بخشی نیز به پیش بینی و و باورهای مربوط به آب و هوا اختصاص دارد. از جمله (فرهادی، ۱۳۷۱: ۶۲) در مطالعه خود آورده است که باران به موقع از دیدگاه مردم و به ویژه روستاییان رحمت الهی است و باران بخت و اقبال آنان است. به همین دلیل است که کشاوران و دامداران ما همیشه به آسمان چشم دوخته و با تمام هوش و حواس خود و تجربه نیاکانشان متوجه ابر و باد و مه و خورشید هستند. در این حال و هواست که دانش هواشناسی عوام شکل گرفته و تجربیات چند هزار سال بر گرد آن انباشته شده است. (پاپلی و لباغ خانیکی، ۱۳۷۶: ۵۲) در تحقیقی در شمال خراسان پیرامون اقلیم و فرهنگ انگورداری گفته اند که آموخته باغداران در طول قرنها برای مبارزه با سرمای بیش از توان گیاه به کمک آنها می آید. (فدایی، ۱۳۸۵: ۴۳) موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی ایران به گونه ای بوده که در برخی از سالها اقدامات غلبه بر کم آبی کارساز نبوده و میزان بارندگی آنقدر کم بوده که موجب خشکسالی می شده و چشم

۱- Sivaprakasam & Kanakarabai

انسان ها به آسمان بوده تا بتوانند از آب حاصل از بارندگی به کشاورزی بپردازند. (پاپلی و جلالی، ۱۳۷۵: ۱۳۵) اقلیم تاثیری شگرف بر فرهنگ انسان داشته و دارد. در طول تاریخ، بشر تلاشهای مستمری برای کنترل شرایط اقلیمی به نفع خود، گیاهان و جانوران مورد نیاز به عمل آورده است. کوشش انسان برای مساعد کردن شرایط اقلیمی جهت تامین زندگی مرفه تر یکی از جنبه های مهم فرهنگی هر تمدنی است. (سلحشورد هقان و علیجانی، ۱۳۷۷:) در فرهنگ عامه مردم بعضی حوادث به صورت یک موضوع مسلم و پذیرفته شده در می آید. برای نمونه مردم خراسان معتقد هستند که در فصل بهار بیشتر بارندگی در روزهایی که شماره آنها از اول فروردین، رقم یکان ۶ دارند (روزهای شیشه)، می بارد. نتایج بررسی نشان می دهد که در اکثر موارد فراوانی حدوث بارش در روزهای شیشه بیشتر از روزهای دیگر است و تفاوت احتمال بارش ایام شیشه با احتمال روزهای دیگر معنی دار است و ایام شیشه در شهرهای مختلف همزمان نیست. هرگاه طبیعت با توجه به شرایط خود از بارش باران دریغ می کرده و یا بارن بیش از اندازه فرو می ریخت مردم برای اینکه این طلسم را بشکنند دست به انجام یک سری از اعمال میزدند تا شاید آن وضعیت نابهنجار از نظر آن شکسته شود و شرایط به روال عادی خود برگردد از جمله این آیین ها باران خواهی و یا بند آمدن باران است در که در بسیاری از مناطق کشور وجود داشته و دارد. در مطالعه ای از این دست (پاپلی یزدی و جلالی، ۱۳۷۸: ۱۸۶) آیین های باران خواهی در نقاط مختلف ایران را بررسی نموده و به ریشه یابی آنها در فرهنگ ایران زمین پرداخته اند و دلیل وجود چنین آیین هایی را ضعف انسان در برابر طبیعت دانسته که برای تقویت روحی و رفع نیازهای خود به نیروهای ماوراء الطبیعه پناه می برده است. (پیاده کوهسار، ۱۳۸۹: ۱۱) در منطقه کالپوش شاهرود آیین های باران خواهی را مورد مطالعه قرار داد که در این مطالعه انواع آداب و رسوم مردم آن ناحیه را در مواقع تاخیر در ریزش باران و یا خشکسالی بررسی کرده است.

(نعمت طاوسی، ۱۳۹۱: ۲۷۱) از آیین های باران خواهی در گذشته و حال رمزگشایی نموده و اعمال و رفتار هر آیین را اشاره ای به باورهای کهن و اساطیری مردم می داند که

از طبیعت و نیروهای جادویی می خواهند در مواقع خشکسالی و کمی باران برای آنها باران بفرستند. (نیازی، ۱۳۸۶: ۵۱) وضعیت و جایگاه آب در فرهنگ عمومی و مثل های مردم کاشان را مورد مطالعه قرار داده است. (خلعت بری لیماکی، ۱۳۸۵: ۸۹) بطور کلی خاستگاه آیینی که همواره باران را طلب می کند زیست بوم هایی با باران اندک است. در این مناطق شیوه های کشت و کار، یکسره هوابین است. یعنی وابسته به بارش بویژه بارش های بهاره است. همین شرایط آب و هوایی، گاهنامه اقلیمی ویژه ای را در این سرزمین پایدار کرده است. آیین باران خواهی نیز بخشی از فرهنگ این سرزمین ها است.

داده ها و روش ها

پس از مشاهده رویدادهای مشابه در زمانهای طولانی، بشر توانست بگونه ای آنها را دسته بندی و منظم نموده به نسلهای بعدی منتقل سازد. آنچه در این مجموعه گردآوری شده دانسته هایی است که از گذشته به ما رسیده است و از زبان ریش سفیدان روستا شنیده شده تا برای انتقال و ثبت و ضبط آنها اقدامی هرچند ناچیز صورت پذیرفته باشد زیرا امروزه بسیاری از جوانان و کودکان از داشتن چنین اطلاعاتی محروم هستند. انسان امروز چنان درگیر مسائل زندگی روزانه خود شده است که از گذشته خویش بریده و به ماشین پناه برده تا شاید بتواند راه نجاتی بیابد، غافل از اینکه اگر به طبیعت برگردد همانند پیشینیان خود می تواند در کنار طبیعت هزاران سال دیگر با کمترین مشکل زیست نماید، ولی در کنار ماشین زیستن، بیخبری از فردای خویش را بدنبال دارد. انتظار می رود که در نتیجه بی تفاوتی، این اطلاعات بتدریج به تاریخ سپرده شوند و هیچ اثری از آنها در بین انسانهای امروز باقی نماند.

در این تحقیق از دو روش مصاحبه و گردآوری شفاهی و همچنین مطالعه کتابخانه ای برای بررسی و تجزیه و تحلیل استفاده گردید. برخی از اعمال و باورهایی که در این مطالعه از آنها یاد شده است هنوز در بین مردم منطقه رایج می باشد. خصوصا در زمینه

تقویم آب و هوایی که به نوعی مردم محل از آن استفاده می نمایند. و برخی از باورها دیگر رواج ندارد و می توان آنها را از زبان سالمندان شنید که در گذشته نه چندان از آنها استفاده می شد.

علاوه بر مصاحبه و گردآوری شفاهی برای تطبیق باورها و تقویم آب و هوایی با واقعیت رخدادهای طبیعی از آمار و اطلاعات ایستگاه های واقع در محدوده استفاده شد. محدوده مورد مطالعه در شمال شهرستان باغملک و هم مرز با شهرستان ایذه واقع شده است که وسعت آن حدود ۳۵۰ کیلومتر مربع می باشد. در این محدوده ۴ ایستگاه سنجنده داده های هواشناسی وجود دارد که میانگین فاصله افقی آنها از یکدیگر نزدیک به ۱۲ کیلومتر می باشد. دو ایستگاه تبخیر سنجی در شمالی ترین و جنوبی ترین نقاط و دو ایستگاه باران سنجی در غرب و شرق محدوده قرار دارند. آمار بارندگی و دما از ایستگاه های تبخیرسنجی باغملک و بارانگرد و باران سنجی ایستگاه های چشمه شیرین و قلعه تل اخذ گردید. از آنجایی که داده های بدست آمده روزانه بوده اند و روزهایی که با توجه به رخدادهای آن به عنوان یک روز خاص معرفی شده اند کاملاً موقعیت قرار گیری آن در طول سال مشخص بوده است با داده های روزانه ایستگاه های مورد مطالعه مطابقت داده شد و در هر سال که یک یا دو یا سه و یا هر چهار ایستگاه بارش و یا دمای خاصی را ثبت کرده اند به عنوان اینکه آن سال در آن روز باران باریده شد مد نظر قرار گرفت. در مجموع سال هایی که روزهای خاص آن بارندگی ثبت نموده بودند جمع نموده و درصد گیری شد هم از نظر روز بارانی و هم از نظر درصد مقدار بارندگی سالانه اقدام به مطابقت این داده ها با محدوده های زمانی مورد نظر نموده و در نهایت اطلاعاتی بدست آمد که به صورت جدول و نمودار در مقاله ارائه گردیده اند. این مطابقت مشخص نمود که پیشینیان تا چه اندازه نسبت به تغییرات پیرامون خود دقیق بوده و در جریان کارهای روزانه خویش، حوادث طبیعی را مدنظر داشته اند.

علاوه بر داده هایی که از ایستگاه ها بدست آمد برخی باورها نیز وجود دارند که به عنوان یک اصطلاح خاص با گویش محلی بختیاری آورده شده است که با

ذکر توضیحات به زبان فارسی برگردانده شده اند. بطور کلی این اصطلاحات را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

دسته اول: واژه ها و یا عباراتی که تقسیمات روز، ماه و سال را بدنبال دارد و هر سال تکرار می شوند و نشانگر این است که در هر مقطع زمانی چه پدیده ای رخ می دهد. دسته دوم: آنهایی که به نحوی با پیش بینی وضع هوا در ارتباط هستند. دسته سوم: آداب و رسوم و اعتقاداتی است که برای طلب و یا قطع بارش انجام می شده است.

تقویم اقلیمی فرهنگی منطقه (روزهای خاص)

عبارات و اصطلاحات به ترتیب زمان حدوث از ابتدای سال آورده شده اند: غنش (غنشت) سی و شش: اعتقاد بر این است که پس از گذشت سی و شش روز از ابتدای سال یعنی حدود ششم یا هفتم اردیبهشت حتماً بارندگی رخ خواهد داد. غنش (غنشت) چهل و پنج: چهل و پنج روز از بهار بگذرد بارندگی اتفاق می افتد. ماه ری تون: اصطلاحاً به مرداد ماه گفته می شود بخاطر اینکه در این ماه دمای هوا به حداکثر خود می رسد و نیز روزها بدلیل صافی آسمان و پایین بودن رطوبت نسبی صورت انسانها بر اثر تابش اشعه خورشید سوخته می شود.

خرما پزون: چهل و پنج روز بعد از آغاز تابستان یعنی اواسط مرداد بخاطر گرمای شدید فصل رسیدن خرما است و میوه خرما در این موقع سال رسیده و آماده می شود. چله بزرگ: چهل روز از ابتدای زمستان تا دهم بهمن را به این نام می خوانند. در این مدت هوا دارای همه حالت‌های بارانی، برفی، سرما و بوران است. بیشترین حجم بارندگی سالانه را در این مدت می توان دید. ابتدای آن مصادف با فصل کشت و کار است. در گذشته بدلیل کشاورزی سنتی و استفاده از ابزار ابتدایی تا پایان چله بزرگ نیز فصل کشت به درازا می کشید به همین سبب تمام حالت‌های جوی گفته شده را به چشم خود می دیدند و آنرا لمس می نمودند به لحاظ زمان طولانی آن و اغتشاشات جوی، از

دشوار ترین ایام سال می باشد. (چون در مدت زمان گفته شده به خاطر بارندگی و سرما آذوغه افراد به انتها می رسید و دامها نیز بدلیل کمی علوفه روزهای سختی را سپری می نمایند، برای این که می بایست بیشتر اوقات را در آغل به سر ببرند چه بسا با کمبود علوفه، جیره بندی غذایی صورت گرفته تا بتوان سال را به سلامت به انتها برسانند). به هرحال این ایام که آغاز آن با شب یلدا است بیان کننده شب نشینی های طولانی در میان اهالی روستا می باشد، که روزها به کارهای روزمره خود رسیدگی می نموده و شب زمستانی طولانی را دور هم جمع شده و به بازگو کردن خاطرات ایام گذشته و حوادث روزمره می پرداختند و سرگرم بعضی بازیهای خاص این ایام می شدند تا شب طولانی زمستان را به سر برند. این شب نشینی ها اهالی روستا را به یکدیگر نزدیکتر کرده، از اوضاع و احوال یکدیگر آگاه ساخته و کمک رسانی برای رفع مشکلات را در پی داشته تا همگان سلامت سال را به پایان برند.

جنگ چار چار (چهار چهار): چهار روز پایانی چله بزرگ و چهار روز آغازین چله کوچک، هنگامه کشمکش بین چله بزرگ و چله کوچک است. چله بزرگ به خاطر پایان یافتن عمر طولانیست حاضر نیست آنرا از دست بدهد و چله کوچک هم منتظر تحویل گرفتن روزگار است. این تقابل و کشمکش موجب بروز یکسری از رویدادهای جوی خصوصاً بارندگی میشود. طوفانهای همراه با رعد و برق، بارندگیهای کوتاه و شدید، ابرهای سریع و تیره، بادهایی درهم که هر چند وقت یکبار تغییر جهت می دهند از نشانه های جنگ چار چار است.

چله کوچک: اصطلاحاً چله گفته می شود ولی مدت آن بیست روز بیشتر نیست. پس از جنگی سخت با چله بزرگ سرانجام با چرخش کره زمین و حرکت رو به جلو زمان، چله کوچک پیروز گشته و زمام امور را بدست می گیرد. در چله کوچک تغییرات جوی زیادی وجود دارد که حتی شدیدتر از چله بزرگ می باشند اما عمر آن کوتاه است، چون عمر چله کوچک کم است بیشترین فشار را وارد می نماید تا سرما و بارندگی بیشتری را ایجاد نماید بطوری که گفته می شود. (این شدت و حدت برای از

بین بردن سالمندان است و یا آنها را هرچه بیشتر در کنار اجاقها نگه دارد و اجازه ندهد که بیرون بیایند) مرسوم است که چله کوچک به چله بزرگ می گوید حیف شد که من جای تونیستم وگرنه همه انسان ها را نابود می کردم ولی من هم عمر کوتاهتری دارم و هم پشت سرم بهار فرا میرسد، و نعمتهای خداوند زیاد می شوند، پس هر قدر هم فشار وارد نمایم نمی توانم انسان را از پای درآورم.

ششه دالو: زمان آن از اول اسفند تا ششم اسفند پس از خاتمه یافتن چله بزرگ و کوچک است. به نقل از آنچه ریش سفیدان روستا گفته اند علت نامگذاری آن بدین قرار است که در زمان پیامبر (ص) پیرزنی (دالویی) زندگی می کرد که تعدادی شتر (شش نفر) داشت در ایام چله به مسافرت می رود و وقتی از سفر برمی گردد متوجه می شود در مدتی که او در سفر بوده شترهایش نتوانستند جفت گیری نمایند (جفت گیری شتر در زمستان هنگامی که هوا بسیار سرد است انجام می گیرد) و هوا نیز رو به گرمی گذاشته، ازین بابت نگران گردید که مبادا شترهایش جفت گیری نمایند و نتوانند برای سال بعد بچه ای بدنیا بیاورند. خدمت پیامبر (ص) رسید و مشکل خویش را عرض نمود و از وی خواست دعایی نموده تا هوا سرد شود. پیامبر نیز خواسته پیرزن را اجابت، و به درگاه باری تعالی دعایی نمود خداوند نیز دعای پیامبر را استجابت فرمود، بگونه ای که هوا به مدت شش روز چنان سرد گردید که کم سابقه بود و در مدت این شش روز باران، سرما و باد و بوران موجب گردید که شترهای پیرزن که شش نفر بودند روزی یکی از آنها جفت گیری نمایند و پیرزن را از ناراحتی بدر آورند.

لور کور کورک (کرکس): پس از ششه دالو به مدت سه روز باد و باران به نهایت شدت خود می رسند بطوریکه باعث می شود کور کورک ها از محل خود خارج شده و بدنبال یک پناهگاه گرم و مطمئن بگردند تا از سرما و باران تلف نشوند. لور یعنی خیس و آبکش شده و بر اثر این خیس شدن سرمای شدیدی عارض گردد.

شصتم: پایان بهمن ماه که شصت روز از فصل زمستان طی شده در این هنگام به شعر گفته می شود:

شصتم شکستم

یعنی هردو چله بزرگ و کوچک به اتمام رسیده و چیزی به پایان زمستان باقی نمانده است به نوعی علامت امیدواری است برای کسانی که در طول فصل سرد فشار زیادی را تحمل کردند، با این امیدواری، روزهای سخت آینده را هم می توانند تحمل نمایند زیرا پس از آن بهار فرا می رسد.

هفتادم: نشانگر این است که زمستان از پای در آمده و عنقریب بهار از راه می رسد و به حالت شعر می خوانند:

هفتادم افتادم

کاسه شورون: سه روز مانده به عید نوروز بنام عرفه معروف است که در این سه روز برای قرائت فاتحه جهت آمرزش روح درگذشتگان خوراکی هایی از قبیل شیر و خرماي سرخ شده در روغن و نیز حلوا با آرد گندم آماده می کردند و به خانه های همسایه ها می بردند تا فاتحه بخوانند، اعتقاد بر این است که برای شستن ظروفی که این غذاها را با آنها درست کرده و توزیع نموده اند بارندگی اتفاق می افتد و این بارندگی مخصوص شستن ظروف عرفه است.

پیش بینی سنتی آب و هوا

- واژه ها، حالات و اصطلاحات پیش بینی وضع هوا
- آفتاب داغ و سوزان در زمستان نشانه بارندگی در ساعات آینده است.
- هوای سرد نوید آسمانی صاف و بدون بارش را می دهد.
- هرگاه در اطراف خورشید و ماه هاله خرمن مانندی قرار بگیرد نشانه تغییر وضع هوا و احتمالاً توام با بارندگی میباشد.
- هرگاه هنگام غروب و شب سه یا چهار نوار قرمز رنگ در سمت قبله پدیدار شود نشانه توفان شدید و تگرگ است.



-- چنانچه ابرهای صبحگاهی قرمز رنگ باشند بارندگی بدنبال خواهند داشت.
 -- اگر ابرهای شامگاه قرمز باشد هوا صاف و آسمان عاری از هرگونه ابری خواهد شد.

-- باد چپ که در روستای مورد مطالعه همان باد جنوب غربی است بارندگی بدنبال خواهد داشت.

-- باد شمال اگر وزیدن گرفت نباید انتظار بارندگی داشت.

-- هنگامی که گوسفندان گوشهای خود را تیز کرده و همانند بادبزن آنها را حرکت بدهند باران خواهد آمد.

-- اگر گله گوسفندان به هنگام چرا با حرص و ولع خاصی به زمین بچسبند و با شدت مشغول چریدن شوند نشانگر این است که در آینده نزدیک باران خواهد آمد و گوسفندان چون احتمال می دهند که بارندگی خواهد بود و آنها نتوانند به چرا بروند تلاش می کنند که غذای بیشتری بخورند تا ذخیره ای برای فردا داشته باشند.

-- در صبح هنگام خارج کردن گوسفندان از آغل اگر با امتناع آنها مواجه شده و مجبور شوند که آنها را با زور بیرون نمایند احتمال بارندگی و توفان شدید وجود دارد به همین خاطر گوسفندان حاضر به ترک آغل گرم خود نیستند.

-- هنگامی که باران می بارد در برخورد قطرات باران با آب جمع شده در گودالها و چاله های زمین، اگر تولید حباب های درشتی نماید بدین معنی است که بارندگی تداوم خواهد داشت.

-- کلنگ (نوعی پرنده)، اگر این پرنده بصورت دسته جمعی و زنجیروار از جنوب به شمال حرکت بکنند اعتقاد بر این است که این پرندگان برای آوردن باران می روند. نوع حرکت به صورت عدد هشت می باشد.

هنگام کاشت و داشت محصولات کشاورزی و نیز هنگام سبز شدن و یا مراحل مختلف رشد مراتع اگر بارندگی تاخیر طولانی داشته باشد موجب نگرانی اهالی روستا خواهد شد. به همین سبب برای برطرف شدن نگرانی و بارندگی مجدد آئینی وجود دارد که از قدیم الایام مرسوم بوده و امروزه نیز تا حدودی رایج است که بنام هارونکی معروف است.

هارونکی بدین ترتیب است که پس از تاخیر نگران کننده بارندگی عده ای جمع شده و برای انجام هارونکی قول و قراری می گذارند که در روستای خودشان و یا به روستاهای مجاور رفته و با انجام این مراسم طلب باران نمایند. هنگام فرا رسیدن موعد یکنفر را بعنوان کوسه با لباسهای محلی از قبیل چوغا (چوخا) کلاه نمدی و چیزهای دیگر تزئین میکنند یک زنگوله بزرگ نیز با یک چوبدستی بدست وی داده، ریشی از پشم گوسفند با صورتی آرد زده، گوشههایی از کلاه نمدی برسرش گذاشته و او را بعنوان پیشقراول به حرکت در آورده و بقیه پشت سر وی حرکت می کنند. از این جمع یک نفر کیسه بدست گرفته تا آردی که خانواده ها به آنها می دهند را یک جا جمع کرده تا انتهای مراسم همراه خود داشته باشد. مراسم با آماده شدن کوسه و جمع شدن عده ای که قرار است هارونکی را انجام بدهند شروع می شود. دسته همراه با سر و صدا و هلهله و صدای زنگ کوسه براه می افتد و به در تک تک خانه های روستا رفته و از آنها چیزی می خواهند و شعری می خوانند بدین مضمون:

هار هار هارونکی خدا بزن بارونکی

ساکنین خانه ها نیز کاسه ای آرد به آنها می دهند البته قبل از دادن آرد چند نفر از ساکنین خانه خود را با ظرفهایی پر از آب پشت دیوارهای خانه مخفی کرده به محض رسیدن دسته به در خانه آنها و طلب آرد، آب را برسر و روی افراد دسته می ریزند به هنگام ریختن آب هر کدام از نفرات با صدای بلند می گویند:

ای خدا بارون

این عمل را برای همه خانه ها انجام می دهند. اگر خانه ای با آنها همکاری نکرد یک بیت شعر می خوانند:

کمر دراز پراز گراز

کمری که پراز گراز وحشی باشد کنایه از بی اعتقادی و عدم همکاری ساکنین خانه است. پس از اینکه از تمام خانواده ها آرد هارونکی را جمع کردند، برای درست کردن خمیر آردهای جمع شده را در یک لگن یا تشت بزرگ ریخته و خمیری آماده می کنند. لازم به ذکر است که این مراسم در شب انجام می شود هنگام ورا آمدن خمیر، عده ای نیز با جمع آوری هیزم آتش بزرگی روشن می کنند، هنگامی که شعله های آتش به اتمام رسیده و به خرمنی از آتش ذغالی و خاکستر تبدیل شد آرد را به صورت گرده نان بسیار بزرگی در آورده و در زیر خاکسترها قرار می دهند. پس از آن بدور آتش نشسته به گفتگو مشغول می شوند تا نان گرده کاملاً پخته و بصورت یک نان قطور و سفتی در آید و بعد دوسه نفر از افراد مسن دسته گرده نان را به قطعاتی به تعداد نفرات دسته بریده و در درون تشت یا لگن می گذارند. در درون دو یا سه قطعه از نان سنگ ریزه ای قرار می دهند و سپس قطعات نان را بین نفرات تقسیم می کنند. هنگام خوردن، قطعه نانهایی که درون آنها سنگ ریزه بوده مشخص می گردید و پس از مشخص شدن نفرات آنها را یکجا جمع کرده و دادگاهی تشکیل می دهند در این دادگاه تصمیم گرفته می شود که این نفرات را با چوب مجازات بکنند و با زدن چوب به کف پاهایشان مجازات نمایند اما قبل از اعمال مجازات تعیین شده یک نفر خود را بعنوان ضامن معرفی نموده و متعهد می گردد که اگر تا چند روز آینده بارانی نباید مرا به جای وی مجازات نمایند. برای بقیه نفرات هم افرادی ضامن می شوند پس از مشخص شدن ضامنها مراسم به پایان می رسد تا هنگامی که موعد ضمانت سر برسد اگر در این فاصله بارندگی اتفاق بیفتد که همراه با شکرگزاری بوده و تمامی ضمانت ها لغو می شود و اگر تا موعد ضمانت بارانی نباید شخص ضامن را احضار کرده همانند همان مراسم قبلی قصد تنبیه ضامن را خواهند داشت یک نفر دیگر ضمانت وی را می کند این

عمل تا یکی دو نوبت بعد هم می تواند ادامه داشته باشد ولی به محض بارندگی همه چیز به خوبی و خوشی به پایان می رسد.

چهل کچلون

این مراسم نقطه مقابل هارونکی است که برای بند آمدن باران انجام می شد. علیرغم اینکه سالهای کم باران در منطقه فراوان است، سالهایی نیز وجود دارد که دارای مقادیر باران بسیار بیشتر از میانگین سالانه می باشد. در برخی سالها حتی تا ۲۰ روز هم باران و ابر در منطقه حاکم بوده به گونه ای که مردم از اینکه نمی توانستند به کارهای روزمره خود پردازند دررنج و عذاب بوده اند. اقداماتی از قبیل پاک نمودن آغل گوسفندان، پایان یافتن سوخت که از هیزم درختان بدست می آمد و نیاز به سوخت برای روزهای سرد و بارانی آتی، خشک نمودن البسه و زیراندازها و رواندازهای خیس شده از باران، باعث می گردید که مردم به فکر اقداماتی برای بند آمدن باران و تابش دوباره خورشید باشند، یکی از رسم هایی که برای بند آمدن باران در منطقه رواج داشت چهل کچلون بوده است. و بدین صورت بود که نام چهل کچل را روی چوبهایی می نوشتند و آنها را در کنار هم می بستند و به درختی یا در خانه ای آویزان میکردند و یک نفر مامور شده که با چوب دیگری به این چوبها ضربه زده و با صدای بلند تکرار می کرد که چهل کچل به دار است. در این میان عده ای از اهالی ضامن کچل ها می شدند و در اطراف شخص چوب زننده می خوانند:

خدایا بارون و وادار

این مراسم معمولاً تا موقع بند آمدن باران، ادامه پیدا می کرد. در مناطقی که احتمال وقوع سیل زیاد بوده مراسم بند آمدن باران بیشتر برگزار می گردید.

نتایج

پیشینیان بدون داشتن ابزارآلات اندازه گیری فقط براساس مشاهدات تجربی سالانه خود توانستند، برای رویدادهای آب و هوایی تقویمی کاملاً تجربی ایجاد نمایند. امروزه با

استفاده از پیشرفته ترین وسایل مشاهده و اندازه گیری علمی پیش بینی آب و هوا را میتوان برای مدت کوتاهی انجام داد. مطابقت ایام با روزهای سال در جدول (۱) آورده شده تا دیدی روشن تر به زمان و سامانه های جوی داشته باشیم.

جدول (۱) روزهای سال و نام گذاری آن

ایام خاص	چار چار	شش دلو	لورکورکورک	کاسه شورون	غنش سی وشش	غنش چهل و پنج
روزهای سال	۱۴-۷ بهمن	۶-۱ اسفند	۹-۷ اسفند	۲۹-۲۷ اسفند	۳۶ اردیبهشت	۱۵ اردیبهشت

به جهت ارزیابی میزان دقت گذشتگان در پیش بینی وضع هوا میانگین بارش ایستگاه های تبخیر سنجی باغملک، بارانگرد و بارانسنجی چشمه شیرین و قلعه تل را مورد بررسی قرارداد و نتایج را در جدول شماره (۲) با مقایسه تعداد سالهای آماری ایستگاه، و سالهایی که در ایام مورد نظر بارندگی وجود داشته آورده شده است.

جدول (۲) تعداد و درصد سالهای دارای بارندگی در روزهای مورد مطالعه

ایام خاص	چار چار	شش دلو	لورکورکورک	کاسه شورون	غنش سی وشش	غنش چهل و پنج
دوره آماری سال	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
سال دارای بارش	۴۲	۳۶	۲۷	۲۹	۲۵	۲۳
درصد	۹۳,۳	۸۰	۶۰	۶۴,۴	۵۵,۵	۵۱,۱

جدول (۳) براساس مقدار بارندگی سالانه تنظیم شده است. با توجه به اعداد درون جدول به هنگام جنگ چار چار بطور متوسط ۳۵,۴ میلیمتر میانگین باران سالانه در منطقه

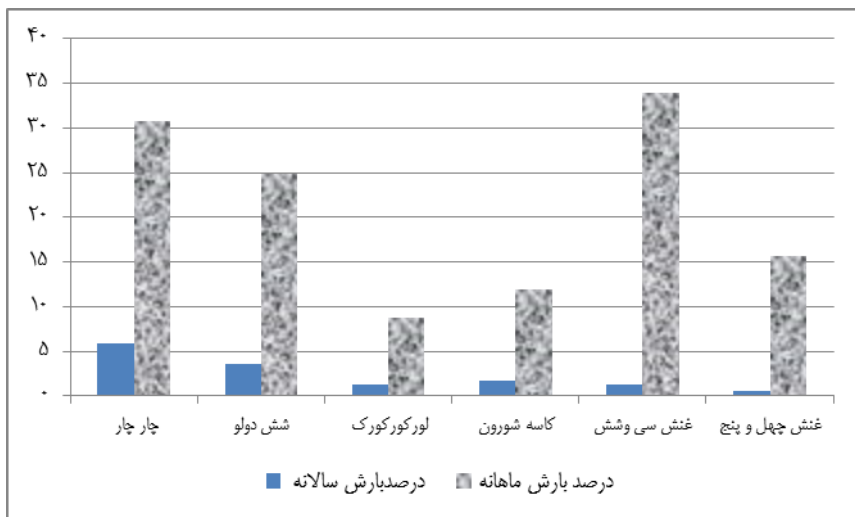
مورد مطالعه ریزش می نماید، که نشان دهنده اهمیت چنین روزهای در تقویم سالانه منطقه دارد.

البته باید خاطر نشان کرد که با بررسی آمار روزانه ایستگاههای باغملک، بارانگرد، قلعه تل و چشمه شیرین که در محدوده مورد مطالعه واقع شده اند مشخص شده است که در برخی از سالها با سه تا چهار روز تقدم و تاخر، بارش اتفاق افتاده که با توجه به نوسانهای شرایط جوی می توان این بارشها را نیز جزو ایام خاص محسوب نمود که با احتساب این روزها درصد احتمال وقوع بارش افزایش یافته و اعتبار پیش بینی های تجربی مردم منطقه را افزایش می دهد. همچنین اگر از ایستگاه های خارج از محدوده نیز استفاده می گردید قطعاً درصد احتمال وقوع هر بارش و رویداد افزایش می یابد چرا که چه بسا سامانه جوی هنگام عبور از منطقه مورد مطالعه گذر نماید ولی در مناطق بالادست و یا پایین دست شاهد وقوع آن رویداد بود. این رویداد در واقع همان وضعیتی است که اهالی محل انتظار وقوعش را داشته اند ولی با کمی جابجایی از این منطقه عبور نکرده است.

جدول (۳) مقدار بارش در ایام خاص

ایام خاص	چار چار	شش دولو	لورکورکورک	کاسه شورون	غنش سی و شش	غنش چهل و پنج
میانگین سالانه میلیمتر	۶۰۳,۷	۶۰۳,۷	۶۰۳,۷	۶۰۳,۷	۶۰۳,۷	۶۰۳,۷
متوسط دوره آماری	۳۵,۴۶	۲۱,۳۲	۷,۴۹	۱۰,۲	۷,۵۹	۳,۵

با استفاده از جدول حدود ۵/۸۸ درصد از متوسط بارندگی سالانه در (۸) روز جنگ چار چار اتفاق می افتد که اهمیت فوق العاده ای دارد شکل (۱). در بقیه ایام هم مثلاً در شش روز ششه دالو ۳/۵۳ درصد و کاسه شورون ۱/۶۹ درصد کل بارش سالانه را در خود جای داده اند.



شکل (۱) درصد بارش روزهای خاص نسبت به بارش سالانه و بارش ماهی که این روزها در آن قرار دارند

باتوجه به اینکه سال آبی از مهر تا پایان شهریور سال بعد می باشد واژه های شصتم و هفتادم که به نوعی بیان کننده مقاطع زمانی می باشند با نگاهی به جدول (۴) معنی می یابند. در این جدول جمع بارندگی تا پایان بهمن ماه که همان شصتم می باشد ۵۰۸ میلیمتر یا به عبارتی ۸۴ درصد بارش سالانه اتفاق می افتد و اگر ۱۰ روز اول اسفند هم اضافه گردد درصد بارش به ۸۶/۳۸ می رسد که به نوعی پایان فصل سرما و بارندگی های فراوان را نوید می دهد در این زمان تپه ها، دشتهای و مناطق کوهستانی به آرامی پوشیده از علف و سرسبز می شوند.

همچنین مرداد ماه گرم ترین ماه سال است که واژه (ری تون) بدلیل کمی رطوبت هوا و تابش شدید آفتاب و افزایش دما در منطقه کاملاً متناسب با چنین شرایطی رواج یافته است. در این ماه درجه حرارت متوسط به ۳۱/۹ درجه سانتیگراد نیز می رسد.

جدول (۴) متوسط بارندگی و دمای ماهانه محدوده مورد مطالعه

شهریو ر	مرداد	تیر	خرداد	اردی بهشت	فروردین	اسفند	بهمن	دی	آذر	آبان	مهر	
۰,۶	۰,۵	۰	۰,۸	۲۲,۴	۷۱,۱	۸۵,۸	۱۱۵,۵	۱۳۱,۲	۱۲۲	۴۹	۴,۵	بارندگی میلیمتر
۲۸,۸	۳۱,۹	۳۱, ۳	۲۷,۸	۲۱,۸	۱۶,۴	۱۲,۲	۹,۵	۹,۴	۱۲, ۵	۱۷,۹	۲۴, ۱	دما سانتیگراد

چنانچه داده های پارامترهای دیگری از قبیل ابرناکی، باد و بوران، یخبندان، بارش برف، رعد و برق و تگرگ هم موجود می بود، در سالهایی که رویداد پیش بینی شده اتفاق نمی افتاد چه بسا این رویدادها جایگزین آنها شده بودند. مثلاً ممکن است در یک سالی در جنگ چار چار بارندگی رخ نداده است ولی سیست جوی ابرانکی همراه با رعد و برق را در همان زمان مورد نظر به منطقه وارد نمود اما شرایط برای بارش باران فراهم نبوده است. این اطلاعات می توانست دقت بسیار زیاد پیش بینی ها را نشان بدهد.

نتیجه گیری

امروزه ضرورت توجه به فرهنگ عامه به منظور جلوگیری از فراموشی و نابودی سرمایه بزرگ فرهنگ شفاهی جامعه اهمیتی بیش از پیش دارد. هرچند شاید بسیاری از مسائل فرهنگ عامه پایه علمی و منطقی ندارد اما بخشی از میراث گران بهای فرهنگ توده مردم است که نمایانگر نحوه زندگی، تفکر و آرزوهای گذشتگان می باشد. با وجود این برخی از باورها را می توان با ابزار تجربی و علمی قاعده مند و منطقی نمود. این بخش از باورها بر اثر تجربه و در طول سالیان متمادی بدست آمده است که اگر در مطالعات پژوهشی از آنها استفاده گردد نتایج بسیار خوبی خواهند داشت.

با توجه به داده های جدول شماره (۲) که وقوع بارندگی را در روزهای خاص مورد مطالعه نشان می دهد دیده می شود که مثلاً در ایام چارچار ۹۳,۳ درصد سالهای که دوره امار نشان می دهد بارندگی رخ داده است. و چنانچه بارندگی روزهای قبل و یا بعد از این ایام هم در نظر گرفته شود این درصد افزایش م یاباید بطوری که با اطمینان می

توان گفت تقريباً مي توان هر ساله در اين روزها شاهد بارندگي بود. چنانچه نقشه هاي همديد اين ايام در طول دوره آماری ترسيم گرديد شايد با قاطعيت بتوان اظهار نمود که وجود يک الگوي خاص که زمان و مکان مشخصی دارد باعث بروز بارندگي در اين ايام مي شود. همچنين هر چند در ديگر ايام درصد وقوع کمتر است ولي آنها هم به قدری تکرار پذير هستند که بتوان گفت از يک الگوي همديدي تبعيت مي نمايند که مي بايست اين الگوها شناسايی شده و در پيش بينی ها از آنها استفاده گردد.

در کشوري مانند ايران بطور کلی و در منطقه بطور خاص بدليل اينکه کليه فعاليتهاي کشاورزي ديم وابسته به بارش باران در فصل بارش است هرگونه تاخير و يا کمبود بارش در دوره کاشت و داشت محصول نگرانی بسيار شديدی برای کشاورزان ايجاد مي نمايد. اين نگرانی باعث مي شود آنها برای رهايی از وضعيتی که در آن قرار گرفته اند دست به دامن نيروهاي فوق طبيعت شده مگر آنکه بارانی بيايد و آنها را از نگرانی دريآورد. همچنين با مطالعه نام هايی که مردم به بعضی از روزهاي سال داده و مقايسه آن با آمار و ارقامی که از ايستگاههاي سنجش بارندگي در منطقه بدست آمده است مي توان نتيجه گرفت که با تلفيق اطلاعات تجربی به ارث رسیده از پيشينيان و آمار و اطلاعات ثبت شده به روش علمی امروز، ميتوان بر ميزان صحت و حتی دقت پيش بينی هاي بلند مدت افزود. با داشتن چنين پيش بينی هايی خصوصاً در مورد کشاورزی، می توان زمان کوددهی، سم پاشی، وجين و اقدامات ديگر را با اطمینان بالاتری مشخص نمود، بطوریکه کمترین صدمه را به محصول وارد آورده و از طرف ديگر با اقدام به موقع، هم کیفیت و هم کميت محصولات را افزايش داد.

پيش بينی ها و تکرار پذیری فقط برای بخش کشاورزی نیست، گذشتگان برای فعاليت ها و بخش هاي ديگر زندگي از اين پيش بينی ها استفاده مي کردند. امروزه هم فعاليت هايی وجود دارند که چنانچه حوادث جوی به موقع پيش بينی نگردند باعث بروز خسارت هاي مالی فراوانی می گردند.

منابع

- ۱- پاپلی یزدی، محمد حسین و جلالی، عباس (۱۳۷۵) اقلیم و فرهنگ، برف اندیل. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین و لباف خانیکی، مجید (۱۳۷۶) اقلیم و فرهنگ (انگور) فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۶.
- ۳- پاپلی یزدی، محمد حسین و جلالی، عباس (۱۳۷۸) آیین های باران خواهی در زمان خشکسالی ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی سال چهاردهم شماره های ۵۴ و ۵۵.
- ۴- پیاده کوهسار، ابوالقاسم (۱۳۸۹) آیین های باران خواهی در منطقه کاپوش شهرستان شاهرود. مجله انسان شناسی سال هشتم شماره ۱۲.
- ۵- خلعت بری لیماکی، مصطفی (۱۳۸۵) از یاد رفته ها (آیین ها باران خواهی و بند آمدن باران) فرهنگ مردم شماره ۱۷.
- ۷- سلحشور دهقان، موسی الرضا و علیجانی، بهلول (۱۳۷۷) تحلیل علمی فرهنگ عامه مردم در مورد بارانهای ایام شیشه در خراسان، مجله نیوار شماره ۳۹.
- ۹- فدایی، سیداحمد (۱۳۸۵) تمنای باران - چاپ اول، موسسه انتشاراتی قدس رضوی، مشهد.
- ۱۰- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۱) انواع باران در فرهنگ و گویش سیرجان و چند شهر پیرامون آن. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۳- میرزایی، طاهره (۱۳۸۹) آیین های باران خواهی در خراسان جنوبی. مطالعات فرهنگی واجتماعی خراسان شماره ۱۵ و ۱۶.
- ۱۴- نعمت طاوسی، مریم (۱۳۹۱) رمزگشایی پاره های آیین های باران خواهی ایران. مجله مطالعات ایرانی. سال یازدهم شماره ۲۱.
- ۱۵- نیازی، محسن (۱۳۸۶) آب در مثل های مردم کاشان. فرهنگ مردم شماره ۱۱.

۱۶- Allabay, Michael (۲۰۰۹) Atmosphere a Scientific History of Air, Weather, and Climate. Facts on File, Inc. p ۱۰.

۱۷- Makwara.c, Enock (۲۰۱۳) Indigenous Knowledge Systems and Modern Weather Forecasting: Exploring the Linkages. Journal of Agriculture and Sustaunability. Vol ۲. Number ۱, pp ۹۸-۱۴۱.

۱۸- Sivaprakasam, S & Kanakarabai, V (۲۰۰۹) Traditional Almanac predicted rainfall - a case study . Indian Journal of Tradtional Knowledge. vol, ۸, pp. ۶۲۱-۶۲۵.

- ۱۹- Vaiskunas, Jonas (۲۰۰۶) The Moon in Lithuanian Folk Tradition .
Folklore vol: ۳۲ .pp: ۱۵۶-۱۸۴.
- ۲۰-Varisco,M, Daniel(۱۹۹۳)The Agricultural Marker Stars in Yemeni
Folklore. Asian Folklore Studies Vol.۵۲. Pp۱۱۹-۱۴۲.
- ۲۱- GugulethuT Zuma-Netshiukhwi, Kees Stigter, and Sue Walker
(۲۰۱۱) Use of Traditional Weather/Climate Knowledge by Farmers in
the South – Western Free State of South Africa:Agrometeorological
Learning by Scientists. Atmosphere vol ۴. pp ۳۸۳-۴۱۰.

واژه نامه

غش (غنشت): به ضم (غ) و کسر (ن) و سکون (ش) جنبش، تکان، حادثه ای که در یک
موقع غیر عادی رخ دهد.

شصتم: به فتح (ش) سکون (ص) و ضم (ت) شصت روز، شصتیم روز

ری: به کسر (ر) رخ، صورت، روی

تون: به فتح (ت) و سکون (و،ن) تاییدن، سوختن، گداختن، داغ کردن روغن

پزون: به فتح (پ) و ضم (ز) پختن، عمل آمدن، رسیدن

شش: به فتح هر دو (ش) ششمین، ششم، شش روز

دالو: به ضم (د و ل) پیر زن، زن پیر و فرتوت

لور: به ضم (ل) سکون (و،ر) لرزیدن، سرمای شدید، خیس شدن همراه با لرزیدن، لرز

کورکورک: به ضم (ک) و فتح (ر، دوم)، لاشخور پرنده ای از خانواده گوستخواران،

کرکس

شورون: به ضم (ش) شستشو دادن، شستن، آب کشیدن

کلنگ: به ضم (ک و ل) سکون (ن، گ)، نام پرنده ایست، شبیه به غازهای وحشی با پاهایی

بلند از خانواده لک لکها که مهاجرت می کند.

هارونکی: به ضم (ر) و فتح (ن) مراسمی است برای طلب باران

چوغا (چوخا): به ضم (چ) نوعی تن پوش بدون آستین و از جنس پنبه یا پشم در بین

بختیارها رایج است، بیشتر در شادیاها به تن می کنند و چوپانان نیز می پوشند.

کمر: به فتح (ک) و م صخره، پرتگاه بلند و مهیب و صعب العبور، دیواره عمودی

وادار: نگه داشتن، متوقف کردن

*Descriptive statistics of weather folklore
Case study: The Baghmalek county of Khuzestan province*

Abstract

Poor spatial and temporal distribution of rainfall has caused the inhabitants of this land accurately and consistently great sensitivity and understanding of the behavior and fluctuations of climatic conditions during precipitation, finding ways to make these discoveries accessible during regular rainfall and climate within a particular calendar and coordinate daily activities and their own experience with the calendar and time management, short and volatile climatic optimum utilization and maximum precipitation for the agricultural issues, Fuel Storage victuals migration. This and displacement of the chapter store water in places and circumstances where it is possible to take advantage of the dry season without rain, and have long years. The aim of this study was to address the climate and the valuable experiences and to pass oral cultural beliefs of the people of each region have become. It is necessary to explore the beliefs and rituals and practices conform with scientific methods and statistical models, the validity or accuracy of these experiments at least took the test. Clearer understanding of the thinking and reasoning of previous generations without hand tools and equipment to measure and predict climate events, get to the surprise and sometimes to pay will be resurrected to our admires. From the results of the study, the comparison of the warfare with recorded rainfall of a relatively long period (۳۸ years) has been determined, which is in ۹۰% of the statistical period, along with precipitation and climatic-cultural calendar of the people of the region studied. In the remaining cases, there is also an acceptable correlation between traditional data and statistical data.

Key word: annual rain , climatic calendar , rituals rain, particular daily, baghmalek county